

**EXTENDED
ABSTRACT**

A Study on the Clothing of Figures in the Wall Paintings of Esfahan's Kaisariyeh Market

Fatemeh Chavoshi Najafabadi ¹ Seyyed Ali Mojabi ²

1. * MA in Textile Design, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Isfahan, Iran. fchavoshi1810@gmail.com

2. Assistant Professor, Art Department, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Isfahan, Iran.

Received: 02.09.2019

Accepted: 06.11. 2019

DOI: pyk.2019.15325/10.22055

Introduction

The present article aimed to investigate the clothing style of figures depicted on Isfahan's Kaisariyeh market entrance and study the design and color of these images. Various books and articles have been published on the historical and architectural background of Isfahan's Kaisariyeh market; nonetheless, there is a paucity of information on the wall paintings of this market. The exciting information presents the type of these paintings and their implementation. For instance, Shahabinejad et al. (2012), in his article entitled: "The perspective of Naghsh-e Jahan Square in Isfahan: values and Problems," studied this artwork and its visual, functional, and suggestive merits; however, the paintings depicted on the entrance have not been taken into account. Moreover, Ishaqi (2014) in his master's thesis entitled "Designing a Business-Recreational Center in Tehran District 4, Considering Architectural Impact on Increasing Efficiency" has used traditional markets, such as Isfahan's Kaisariyeh market, to design and create commercial venues. Tofangsaz (2014) in his master's thesis entitled "Revival of the dock of the mint complex of Isfahan's Kaisariyeh market" has studied the mint of this market and its revival. To the best of our knowledge, no study has been conducted on the garments of figures depicted on wall paintings of Kaisariyeh market.

Keyword:

Isfahan
Safavid
Kaisariyeh Market
Wall Painting
Clothing

Methodology

In this research, the method of research and presentation was descriptive-analytical. Collecting data and finding was carried out through library studies and observation of wall paintings of the Kaisariyeh market from different angles. These paintings are often obtained from Isfahan Cultural Heritage and Tourism Archive. The artwork was photographed from different angles and was then matched with the existing images. The wall paintings of Kaisariyeh market which is an example of art and architecture in Safavid period depict the clothing of three groups of people, including Safavid warfare and hunting garments, as well as European clothing in Safavid era. Since the clothing of characters in the two sections above the portal and on the right is similar, in the current study, the images are divided into Iranian and European sections and analyzed accordingly.

Findings

The portraits of Isfahan's Kaisariyeh Market consist of Iranian and European sections. The paintings on the Iranian part of the portraits which are on the top and left side of the entrance have relatively uniform clothing, and the right images constitute the European garments. Iranian garments in the paintings include Safavid crown, turban, battle helmet, cloak, doublet, shirt, coat, pants, scarf, and boots. The clothing includes round collar garments and some of them are designed by lapel collars with a contrast color. The colors which were mostly used in Iranian garments include green, red, and blue. European menswear is a hat with a long crown, open and long waistcoat with wide sleeves, short pants from the belly to the knee, socks to the knees and small shoes to the ankle. On the other hand, European women's clothing includes tiara or pearl strings, long shirts with a fitted top with a variety of shapes and designs. The colors of Europeans' clothing include yellow, black, blue, green, orange, and white.

Table 1. Different sections of menswear in the portraits of Kaisariyeh market. Source: Authors

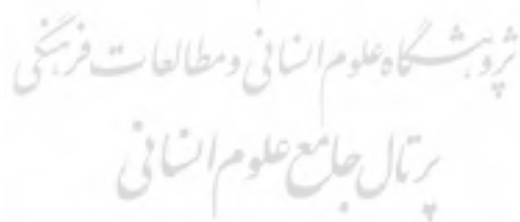
	The pictures on the right	Front and left pictures
Headcover	 <p>Features: Hat</p>	 <p>Features: Safavid crown, Turban, Helmet</p>
Overall	 <p>Features: Shirt, Coat</p>	 <p>Features: Cloak, Doublet, Shirt, Coat</p>
Overall and footwear	 <p>Features: Pants, Shoes</p>	 <p>Features: Pants, Boots</p>

Conclusion

In paintings of Isfahan's Kaisariyeh market entrance, Iranians' garments have more color variation, as compared to European people. Nonetheless, the variety of clothing designs in European characters is more than Iranian ones. In addition, the use of headcover for most figures, uniform headgear attires, such as beads and feathers, single and plane textiles for garments, and Vneck collar with different-colored turntables can be observed in European and Iranian images.

References

- Ishaqi, Mahsa (2014). Designing a business-leisure center in Tehran, District 4, considering the impact of architecture on increasing efficiency. Master's thesis in Architecture, Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch.
- Tofangsaz, Parisa (2014). The revival of the dock of the mint complex of Isfahan's Kaisariyeh market, Master's thesis in Architecture, Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch
- Shahabinejad, Ali and Aminzadeh, Behnaz (2012). "The perspective of Naghsh-e Jahan Square Entrance in Isfahan: Values and Problems, Fine Arts, Architecture and Urban Development, Volume 17 (1), 27-38



فاطمه چاوشی نجف آبادی*
سید علی مجابی**

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۱۱
تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۵

بررسی پوشش پیکره‌ها در دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه اصفهان

چکیده

در گنجینه هنر ایران، آثار کم‌نشان یا بی‌نشان بسیاری وجود دارد که به جهت این‌که انتقال دهنده فرهنگ پیشینیان هستند، دارای اعتبار و ارزشی ویژه‌اند. یکی از این آثار مجموعه دیوارنگاری‌های صفوی بازار قیصریه اصفهان است. دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه اصفهان بازتاب دهنده پوشش رزم و شکار آن دوره از مردم ایران و پوشش برخی از زنان و مردان اروپائی هم عصر است. این مجموعه آثار به دو بخش ایرانی و اروپایی تقسیم شده است. پوشش ایرانی سمت راست و در بالای سردر و پوشش اروپائی در سمت چپ است. از آن‌جا که این دیوارنگاری‌های معاصر هم بوده‌اند، مسأله این تحقیق به طور مشخص، شناخت تشابه و تمایزهای دیوارنگاری‌های بخش اروپایی و ایرانی این مجموعه آثار است. هدف این پژوهش شناخت بهتر گنجینه‌های هنری ایران است. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده تصاویر گردآوری شده، و به شیوه تحلیلی- توصیفی تهیه و تنظیم شده است. در نتایج این پژوهش مشخص شد که پوشش ایرانیان در نگاره‌ها تنوع رنگی زیادی دارد اما شکل کلی لباس صفویان بسیار به یکدیگر شبیه است. در بخش پوشش اروپایی تنوع زیادی در مورد شکل لباس دیده می‌شود اما تنوع رنگ در میان آن‌ها کم است.

کلیدواژه:
اصفهان
صفویه
بازار قیصریه
دیوارنگاری
پوشش

کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان، ایران*
fchavoshi1810@gmail.com

استادیار گروه هنر، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان، ایران.**
sa-mojabi@iaun.as.ir

مقدمه

آثار باقی مانده از دوره‌های مختلف، انتقال دهنده فرهنگ و تمدن گذشتگان برای آیندگان است. پوشش گذشتگان نیز از جمله آثار به یادگار مانده است که منعکس کننده آداب و سنن ایشان است و دیوارنگاره‌ها یکی از بهترین اسناد موجود بوده که تن پوش‌ها را بر تن پیکره شخصیت‌های موجود جای داده است. این مقاله بر آن است تا به شناخت پوشش پیکره‌ها در نگاره‌های سردر بازار قیصریه اصفهان بپردازد و در نهایت به چگونگی طرح و رنگ پوشش پیکره‌ها، در این نگاره‌های دور مانده از نظرها دست یابد. متن حاضر پس از توضیح مختصر در مورد پیشینه پژوهش و روش تحقیق، در مورد بازار قیصریه اصفهان و سردر ورودی آن توضیح مختصری ارائه می‌کند. در پایان به توصیف پوشش پیکره‌ها در دو بخش ایرانی و اروپائی می‌پردازد؛ بخش ایرانی نگاره‌ها، در بالا و سمت چپ سردر، پوششی نسبتاً یکسان دارند و نگاره سمت راست پوشش اروپائی را تشکیل داده است. این که تشابه و تمایزهای دیوارنگاری‌های بخش اروپایی و ایرانی این مجموعه آثار چیست، سؤالی است که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود.

پیشینه پژوهش

در کتاب‌ها و مقالات مختلف، از پیشینه تاریخی و معماری بازار قیصریه اصفهان توضیحاتی بیان شده است، ولی از دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه توضیح مختصری ذکر گردیده که این توصیفات فقط در مورد نوع و طرز اجرای نقاشی‌ها می‌باشد. برای مثال شهبازی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود، «منظر ورودی میدان نقش جهان اصفهان؛ ارزش‌ها و مسئله‌ها» این اثر را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و به مطلوبیت‌های بصری، کارکردی و معنایی آن پرداخته‌اند ولی به نقاشی ورودی این سردر اشاره‌ای نداشته‌اند. همچنین اسحقی (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود، «طراحی مرکز تجاری-تفریحی در منطقه ۴ تهران؛ با توجه به تأثیر معماری در افزایش بازدهی» برای طراحی و ایجاد فضاهای تجاری، از بازارهای سنتی از جمله بازار قیصریه اصفهان بهره گرفته است. تفنگ‌ساز (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود «تجدید حیات بارانداز مجموعه ضرابخانه بازار قیصریه اصفهان» به بخش ضرابخانه این بازار و احیاء حیات آن پرداخته است. طبق تحقیقات انجام شده، نمونه‌ای که به بررسی پوشش در دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه بپردازد مشاهده نشد.

روش پژوهش

در این پژوهش، روش تحقیق و ارائه مطالب، توصیفی - تحلیلی است. جمع‌آوری داده‌ها و یافته‌اندوزی نیز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده تصاویر دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه از زوایای مختلف است. این تصاویر غالباً برگرفته از تصاویر موجود در آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری اصفهان می‌باشد. با مراجعه به محل از زوایای مختلف اثر تصویربرداری گردید و با تصاویر موجود تطابق داده شد. دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه که نمونه‌ای از آثار دوره صفوی است، پوشش سه گروه از شخصیت‌های این زمان را به تصویر کشیده که شامل پوشش رزم و شکار صفویان و پوشش اروپائیان هم عصر زمان صفوی می‌باشد. با توجه به این که پوشش شخصیت‌ها در دو بخش بالای سردر و سمت راست، مشابه است،

دسته‌بندی تصاویر در این پژوهش به دو بخش ایرانی و اروپایی تقسیم شده و بر همین اساس تحلیل می‌شوند. پوشش ایرانی سمت راست و در بالای سردر و پوشش اروپایی سمت چپ می‌باشد. در جدول ۱ اطلاعات مربوط به تصاویر ارائه شده است.

جدول ۱. معرفی تصاویر. منبع: نگارندگان

شماره‌ی تصاویر	محل نگاره‌ها	
تصویر ۴ و ۶	نگاره‌های بالای سردر	نگاره‌های ایرانی
تصویر ۵ و ۷	نگاره‌های سمت راست	
تصویر ۸ الی ۱۱	نگاره‌های سمت چپ	نگاره‌های اروپایی

بازار قیصریه اصفهان

چهار ضلع میدان نقش جهان از نظر نمادین این‌گونه تقسیم می‌شود که ضلع شمالی و غربی (بازار و کاخ) دنیا و ضلع جنوبی و شرقی (مسجد) آخرت است (موسوی فریدنی، ۱۳۸۶: ۷۷) و بازار اصفهان در ضلع شمالی بین دو میدان نقش جهان و میدان کهنه قرار گرفته است. (تصویر ۱) قدیمی‌ترین توصیف که از بازار در شهر اصفهان داده شده، بازار جورین در قرن چهارم ه.ق در عصر دیلمیان است؛ هم‌چنین بازار مظفریه که در قرن هشتم ه.ق برقرار بوده است. در واقع قسمت‌هایی از بازار اصفهان در دوران آل بویه، سلجوقیان و آل مظفر بنا شده است؛ اما تاریخ باشکوه آن به زمان شاه عباس اول، پنجمین پادشاه صفوی می‌رسد (بهشتی، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۰۰) و به دست معمار معروف این دوره، استاد علی اکبر اصفهانی در سال ۱۰۱۱ ه.ق / ۱۶۰۲ م ساخته شده است (شفقی، ۱۳۸۵: ۱۵۰).



محل سردر بازار قیصریه
 اصفهان ضلع شمالی
 میدان نقش جهان

تصویر ۱

ماکت میدان اصفهان
 منبع: (www.tebyan.net)

«کتیبه‌ای در سردر بازار تعبیه نشده که تاریخ دقیق آن مشخص شود اما احتمال می‌رود که ساخت آن در سال ۱۰۱۴ ه.ق پایان یافته باشد» (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۳۵). قسمت شرقی قیصریه ضرابخانه و غرب آن کاروان سرا و در طرفین جلوخان سردر قیصریه دو ایوان سرپوشیده وجود دارد که آن را نقاره‌خانه می‌گویند (شفقی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). کاری^۱ در سفرنامه خود از بازار اصفهان و شغل‌های متنوع آن نام می‌برد و از وجود کاروانسرا و نقاره‌خانه در این محل سخن می‌گوید (کاری، ۱۳۴۸: ۸۳). شاردن^۲ نیز به وجود ضرابخانه در سمت راست بازار و کاروانسرا که از اموال شاه محسوب می‌شده اشاره می‌کند؛ وی اضافه می‌کند: ایرانیان این بازار را



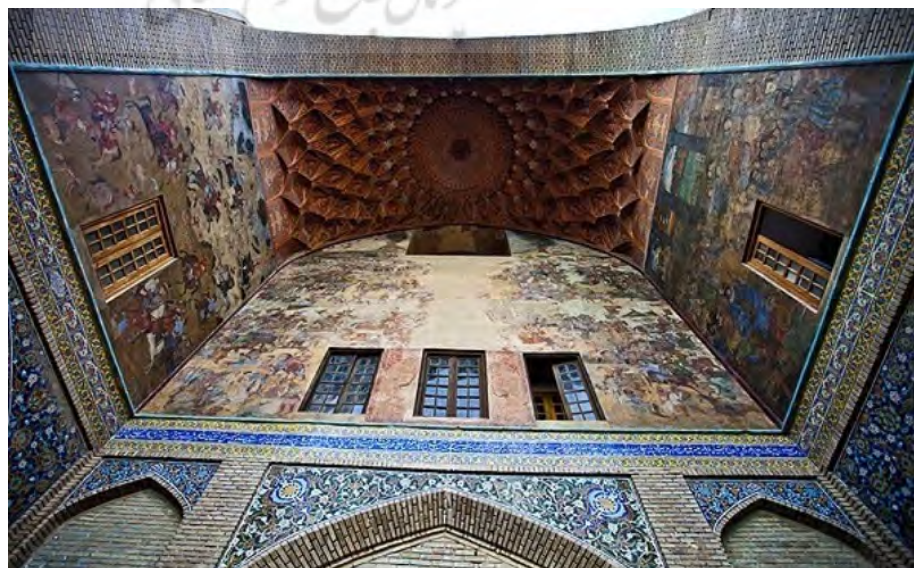
تصویر ۲

نقش برج قوس، سردر بازار قیصریه
منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

قیصریه می‌نامند و این اسم یا از تحریف کلمه سزار به دست آمده و یا از زبان آلمانی که قیصر را کایزر می‌نامند گرفته شده است. شاه عباس این سردر را به این دلیل چنین نام نهاد که شبیه سردر یکی از بناهای شهر قیصریه^۳ ساخته شده است. این سردر و جلوخان آن به شکل نیم گنبد بزرگی است که روی آن با کاشی‌های رنگارنگ پوشیده شده است. دو سکو دور بنا را فراگرفته‌اند که با سنگ بیشم و سماق مفروش شده است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۳۹-۱۴۳۸). «در جبهه فوقانی سردر قیصریه کاشی‌کاری زیبایی انجام شده که موضوع آن نمایش برج قوس است. مورخین شرقی احداث شهر اصفهان را تحت طالع قوس دانسته‌اند و آن را به شکل نیمه انسان و نیمه بیری یا شیر می‌نمایانند که دم آن به شکل اژدها است» (هنرفر، ۱۴۰: ۱۳۸۹) و کمان دار تیر بزرگی به دهان آن اژدها زده است؛ در واقع نقش، تیرانداز جوانی است با لباس صفوی که پیرامون آن با طرح اسلیمی تزئین شده است (شفقی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). (تصویر ۲)

نگاره‌های سردر بازار قیصریه

دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه توسط رضا عباسی^۴ انجام شده است که با وجود ارتفاع و نداشتن دید کامل توسط عابران، به هیچ وجه از زیبایی کار نکاسته و تمامی قسمت‌های مربوط به پوشش را کامل اجرا کرده است. این دیوارنگاره‌ها، شاه‌عباس را در جنگ (بالای سردر) و در حال شکار (سمت چپ) نشان می‌دهد و به اعتقاد مردم که شاه را نماد خودشان و کشورشان می‌دانستند، به یک تعبیر، این نبرد نماد دلوری ایرانی برای حفظ قدرت، ثروت، مملکت بوده و صحنه‌ی شکار نماد فراغت و نشاط است (موسوی فریدنی، ۱۳۸۶: ۷۷). به نظر شاردن: «بر سردر این بازار صحنه جنگ شاه‌عباس کبیر با ازبکان^۵ نقش شده و تصاویری از مجلس عیش و نوش جمعی از زنان و مردان اروپایی در حالی که پشت میز نشسته‌اند و جام باده بردست دارند و به شادی می‌نوشند» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۳۸). آندره گدار معتقد است: «این صحنه‌های می‌خواری که بسیار هم بد نقاشی شده متعلق به عهد سلطنت شاه‌عباس نیست و احتمالاً در زمان سلطنت یکی از جانشینان او نقاشی شده است» (گدار و همکاران، ۱۳۶۸: ۳۰۰). (تصاویر ۳ و ۴)



تصویر ۳

نگاره‌های بالای در ورودی بازار قیصریه
منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)



تصویر ۴
 نگاره‌های رو به روی سردر بازار قیصریه
 منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

پوشاک در نگاره‌های بالای سردر و سمت چپ (پوشش ایرانی)

در دیوارنگاره‌های بالای در ورودی بازار قیصریه (تصویر ۴) و نگاره‌های سمت چپ (تصویر ۵)، پوشش مردان ایرانی در زمان صفوی دیده می‌شود. با وجود این‌که موضوع این دو بخش کمی متفاوت است - یکی شکار و دیگری نبرد - ولی پوشش هر دو قسمت مشابه یکدیگر است. پوشش در نگاره‌ها شامل: سریوش (تاج صفوی، عمامه یا دستار، کلاه خود)؛ بالاپوش (کلیجه، قبا، پیراهن، کاتبی)؛ پایین‌پوش (شلوار) و پاپوش (چکمه، جوراب) است. **الف) سریوش:** پوشش سراسر شخصیت‌ها در نگاره‌ها کلاهی است با زائیده بلند که بر مرکز کلاه قرار گرفته است؛ این زائیده به اندازه‌ای طول دارد که بخش کوچکی از آن از میان عمامه پریشت و حجیم پیچیده شده در اطراف کلاه نمایان است. رنگ مورد استفاده در آثار برای این بخش از پوشش واضح نیست و همین اندازه مشخص است که از رنگی تیره استفاده شده است. در منابع مکتوب رنگ و شکلی مشخص برای این پوشش بیان کرده‌اند: «همانند حکومت‌های دوران اولیه اسلامی، حکومت صفوی نیز یک رنگ پادشاهی انتخاب کرد که نمونه بارز آن، کلاه قرمز رنگی



بود که حیدر، رهبر صفوی‌های شیعه آن را متداول نمود» (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۲۲). «سلطان حیدر شبی در خواب دید که خبرنگندگان از عالم غیب او را مأمور گرداندند که تاج دوازده ترک که علامت اثنی عشریت است از سقرلاط^۶ قرمزی ترتیب داده و سر پیروان خود را به آن افسر بیاراید. سلطان پس از مشاهده این خواب، کلاه طاقیه^۷ ترکمانی که متعارف آن زمان بود را به تاج دوازده ترک حیدری تبدیل نمود (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۳۳).

تصویر ۵
 نگاره سمت چپ، شاه و ملازمان در حال شکار
 منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

این کلاه در ابتدا تاج حیدر و سپس تاج صفوی نام گرفت و توسط شاه اسماعیل به صورت کلاه یکسان دربار صفوی رایج شد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۸-۵۶). این کلاه از نوعی ماهوت کلفت قرمز رنگ با آستر پنبه‌ای ساخته شده که می‌تواند در برابر ضربه شمشیر تاب آورد و مورد استفاده عالی مقام و مردان جنگی بوده است. دهانه این کلاه چنان تنگ است که آن را با فشار بر سر می‌گذارند اما پس از وارد شدن به سر کم‌کم گشاد می‌شود؛ همچنین در بالا مدور و دارای دوازده چین خوردگی یا ترک است. در مرکز سطح فوقانی این کلاه که همه ترک‌ها به آن جا منتهی می‌شوند میله چوبی کوچکی قرار دارد به بلندی چهار و پهنای یک انگشت که بالایش مانند خود کلاه صاف است و پیرامون آن دوازده ترک است که با ترک‌های کلاه به هم می‌پیوندند. چوب آن نیز قرمز رنگ است. پارچه ظریف و طولی روی کلاه بسته می‌شود و بخش عظیمی از آن را می‌پوشاند که گاهی اوقات جز میله چوبی بخش دیگری از کلاه دیده نمی‌شود (سیلوا ای فیگروا^۸، ۱۳۶۳: ۲۶۸-۲۶۷). بیکر در کتاب منسوجات اسلامی بر اساس کلاه به دست آمده در ریاط شرف، جنس این کلاه را از لایه‌ای پنبه می‌داند که با ابریشم قرمز پوشانده شده و شاید با روناس رنگ آمیزی گردیده (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۲۳-۱۲۲)؛ گاهی اوقات در ساخت این پوشش به جای نمد از چرم استفاده می‌شده است (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۲۰۸). اکثر نگاره‌ها مزین به پوشش پارچه‌ای بر روی سر هستند که وجود چین‌های فراوان و حجیم بودن آن بیانگر کاربرد پارچه‌ای با طول فراوان است. این پوشش که با نام عمامه یا دستار خوانده می‌شود علاوه بر کاربرد روی کلاه صفوی که وصف آن رفت؛ بر روی کلاه گرد کوچک یا عرق چین نیز پیچیده می‌شده و در نهایت با زیوری چون پر و مهره زینت یافته است. قرار گرفتن انتهای پارچه در لابلای پیش عمامه همچون تاجی کوچک است که آن نیز در کنار زیورآلات به زیبایی پوشش سر می‌افزاید.

در دیوارنگاره‌های سمت چپ سردر، بیشتر رنگ‌های قرمز، سبز و سفید برای عمامه بیکره‌ها استفاده شده و رنگ سفید نیز به این منظور برای نگاره‌های بالای سردر کاربرد داشته است. البته سیاحان در منابع خود علاوه بر ذکر اهمیت این پوشش به نقوش بودن آن نیز اشاره کرده‌اند که در نقاشی‌ها چنین ویژگی در پارچه عمامه‌ها دیده نمی‌شود البته شاید گذر زمان و فرسودگی رنگ‌ها علت آن باشد. شاردن می‌نویسد: پارچه دستار به قطعه پارچه گلدار یا رنگ دیگری منتهی می‌شود که به هنگام بستن دستار آن را مانند جیقه‌ای از داخلش در می‌آورند. این دستار نزد ایرانیان گرمی‌ترین پوشاک است و شرایط اقلیمی این سرزمین اقتضا می‌کند که سر ساکنان آن بدین صورت پوشیده بماند (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰۴-۸۰۳). دلواله^۹ عمامه صفویان را این‌گونه توصیف می‌کند: «عمامه‌ها رنگی است و غالباً در بافت آن تارهای ابریشم طبیعی به طور راه‌راه در زمینه پارچه پنبه‌ای به کار رفته است. ثروتمندان عمامه‌های گران‌بهایی که تار و پود آن از طلا و نقره است بر سر می‌گذارند ولی در عین حال همه سعی می‌کنند سادگی عمامه حفظ شود (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۴۵). تاورنیه^{۱۰} نیز جنس دستار را از ابریشم ظریف می‌داند که به طرزی بسته می‌شود که بالای آن اندکی مسطح است و در انتهای پارچه به شکل نوعی دسته گل تبدیل می‌گردد (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۳). «این دستار معمولاً مخطط و رنگین بافته شده و از میان برخی



تصویر ۶

بخشی از تصویر ۴، نگاره‌ی روبه روی سردر، سمت راست. کلاخود، چکمه و کلیجه با آستین کوتاه منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

از آن‌ها نخی زرین گذرانده‌اند و درازای آن به طور معمول شانزده تا هجده ساعد است» (اولثاریوس^{۱۱}، ۲۸۵:۱۳۶۳). عمامه ایرانیان از حریر زربفت یا گلدوزی شده است که معمولا به جهت زیبایی به جلو آن پریا چیزی شبیه بادبز نصاب می‌کنند (کارری، ۱۳۴۸:۱۳۴).

علاوه بر کلاه وصف شده و عمامه‌ای که بر سر اکثر بیکره‌ها دیده می‌شود، در نگاره سمت چپ، کلاه خودی بر سر بیکره‌ها وجود دارد که از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش بالایی برای حفاظت از سر و بخش پایینی برای حفاظت از گوش‌ها و گردن به کار می‌رفته است. (تصویر ۶)

ب) بالاپوش: بالاپوش مردان ایرانی در نگاره‌ها پوششی بلند است تا حوالی زانو که در مرکز جلو باز بوده و دکمه می‌خورد و آستین‌های بلندی تا مچ دارد. یقه لباس به همراه برگردانی با رنگی متفاوت از رنگ لباس کار شده است؛ ولی اکثر آن‌ها با یقه هفت یا یقه راسته طراحی شده‌اند. شاردن این لباس را که روی پیراهن پوشیده می‌شود با نام کلیجه معرفی می‌کند که قد آن تا زیر زانو است و دو طرف آن در جلو با دکمه بسته می‌شود (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰). (تصویر ۷) سانسون^{۱۲} جنس آن را از ماهوت قرمز یا پارچه زربفت می‌داند که به آن یراق و قیطان طلا دوخته‌اند (سانسون، ۱۳۴۶: ۸۶). این پوشش با آستین کوتاه در نقاشی‌های مربوط به رزم دیده می‌شود. (تصویر ۶)

پوشش دیگری مانند پوشش قبلی با آستین بلند و البته قدی بلندتر بر تن بیکره‌ها می‌باشد که یقه‌ای متفاوت دارد. این یقه به صورت مایل از شانه راست به پهلو چپ و لایه رویی آن از شانه چپ به پهلو راست قرار دارد. شاردن از این پوشش با نام قبا یاد کرده که معمولا پنبه دوزی می‌شده است. وی در مورد پیراهن زیر این پوشش که در تصاویر قابل رویت نیست می‌نویسد: در زیر این پوشش پیراهنی استفاده می‌کنند که قد آن تا روی زانو، و در پهلوها چاک دارد و روی شلوار قرار می‌گیرد. یقه آن بدون برگردان است، در جلو تا شکم و در پایین دامن در پهلوها چاک دارد. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰) کارری جنس پیراهن را از ابریشم یا پشم لطیف می‌داند (کارری، ۱۳۴۸: ۸۳) و دلواله جنس آن را نخ و ابریشم می‌داند که به اندازه‌ای لطیف است که می‌توان آن را در کف دست پنهان کرد» (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۴۲).

بالاپوشی کوتاه تا حوالی کمر که در مرکز جلو باز و با آستین بلند همراه است، پوششی متفاوت بوده که در نگاره سمت چپ دیده می‌شود. (تصویر ۷) این پوشش احتمالا همان کاتبی است که یارشاطر به آن اشاره دارد: «نیم‌تنه کوتاه آستین‌دار که اوایل قرن ۱۷م رواج یافت». (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۲۰۳) بیشترین رنگی که در بالاپوش ایرانیان دیده می‌شود سبز، قرمز و آبی در صحنه جنگ، و قرمز و آبی در صحنه شکار است؛ اما تنوع رنگ پوشاک صفویان که در منابع مکتوب ذکر شده، بیشتر است. بیکر رنگ لباس‌ها را با روحیه افراد به ویژه شاه مربوط می‌داند: «خلق و



تصویر ۷
 بخشی از دیوارنگاره‌ی سمت چپ، پایین پوش
 مردان صفوی
 منبع:.....

خوی شاه از روی جامه‌ای که هر روز به تن می‌کرد معلوم می‌شد؛ روزی که وی سیاه می‌پوشید معمولاً غمگین و آرام بود؛ اگر جامه سفید، سبز، زرد یا هر رنگ روشن دیگری می‌پوشید، شاد بود، اما هنگامی که قرمز می‌پوشید همه از او می‌ترسیدند زیرا آن روز مطمئناً یکی را می‌کشت» (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۲۳). ایرانیان لباس‌های رنگارنگ را دوست دارند، بالاپوششان از یک رنگ، پیراهنشان از رنگ دیگر و شلوارشان رنگی متفاوت دارد (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۳). قطعه پارچه‌ای که پوشش بالاتنه نگاره‌ها را تکمیل کرده و بر تن تمامی بیکره‌ها دیده می‌شود، شال کمر است. لبه این شال پس از

قرار گرفتن بر دور کمر در لابلای پارچه شال استوار شده و یا در جلو بالاتنه گره می‌خورد. رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای و کرمی از پرکاربردترین رنگ‌ها برای این پوشش است. بر اساس گفته سیاحان پهنای این شال بیش از چهار انگشت نیست که مردان آن را تاب داده دور کمر می‌بسته‌اند. پارچه این شال در بعضی نقاط مضاعف می‌شود، یعنی یک قطعه از آن یک لا و قطعه دیگر دولا، و جایی که پارچه دولا می‌شود، هر کدام از لایه‌های آن رنگ مخصوصی دارد و شبیه یکدیگر نیستند (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۴۱؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰)؛ که یکی از آن‌ها راه‌راه و دیگری گلدار است؛ نقش مایه‌های گلدار در انتهای شال و بقیه آن دارای نقش راه‌راه افقی با امواج گلدار یا برگ‌مانند همراه است. فاخرترین نمونه‌ها از پارچه ابریشمی با طلا و نقره و با هفت طرح و چند سایه مختلف رنگی تشکیل شده است. (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۲۱) کمپفر^{۱۳} از وجود کارگاه‌های نساجی به نام شال‌باف‌خانه سخن می‌گوید که نشان از اهمیت شال در میان صفویان دارد. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۰) همچنین کاربرد آن برای تمامی اشخاص در نگاره‌ها با موقعیت‌های مختلف بیانگر اهمیت کاربرد این پوشش است. اگر چه منابع مکتوب به منقوش بودن شال کمر اشاره کرده‌اند اما نقاش در آثارش به طراحی شال ساده و تک‌رنگ اما با رنگی متفاوت از پوشش بالاتنه و شلوار اکتفا کرده است.

ج) پایین پوش: پوشش پایین‌تنه مردان صفوی در نگاره‌ها شلوار است که بخش بالای آن از کمر تا بالای زانو توسط بالاپوش و بخش پایینی آن از مچ تا زیر زانو توسط چکمه پوشیده شده است. قسمت میانی شلوار گشادی متوسط آن را نشان می‌دهد و این آزادی بیانگر لیفه‌ای بودن شلوار است. رنگ مورد استفاده آن با رنگ بالاپوش متفاوت می‌باشد. «شلوار صفویان پوششی است که معمولاً آستر می‌شود و تا قوزک پا می‌رسد، جلو آن باز نیست و در بالا با بند به بدن محکم می‌شود و از کمر تا زانو مخروطی شکل است» (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۲۸۶؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۷۹۹). (تصویر ۷)

د) پاپوش: پوشش پای ایرانیان در نگاره‌ها چکمه است با رنگ‌های تیره به ویژه قهوه‌ای و «از جنس ساغری و تیماج تهیه می‌شوند» (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۷). پاشنه این چکمه‌ها کوتاه و جلو کفش باریک می‌باشد. (تصویر ۵ و ۷) این کفش‌ها کاملاً پوشیده است و از پهلوی باز نمی‌شود. برای دوام بیشتر، تخت کفش در قسمت پنجه و پاشنه کفش را با

چند میخ ظریف، میخ کوب می‌کنند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰۱) اگرچه در نگاره‌ها پوشش دیگری برای پا مشخص نیست اما استفاده از این چکمه‌ها کاربرد جوراب یا پوششی را برای پا لازم می‌کند. طبق یادداشت‌های تاورنیه کاربرد جوراب از زمان شاه عباس دوم آغاز شد و در زمان شاه عباس اول فقط برخی بزرگان و ثروتمندان از جوراب استفاده می‌کردند که به ساق پا نمی‌رسد، در قسمت پاشنه تکه چرمی برای استحکام قرار دارد و بالا و پایین آن گشاد است. اما سربازان و مردم عادی مچ‌پیچی از پشم بزا استفاده می‌کنند که به دور ساق پا می‌بندند و کف پا در کفش برهنه می‌ماند و فقط در فصل زمستان آن را با نوعی پاپوش پشمی یا پنبه‌ای می‌پوشانند. (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۷-۲۹۶) تعداد زیادی از ایرانیان جوراب پارچه‌ای سبزرنگ به پا دارند که برش آن شکل جوراب را ندارد و به راحتی از پا در می‌آید که پشمی یا زربفت هستند و با سنگ‌های قیمتی تزئین می‌شوند (اولثاریوس، ۱۳۶۳: ۲۸۶؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۳۵).

پوشاک در نگاره‌های سمت راست (پوشش اروپائی)

نقاشی‌های سمت چپ تعدادی از مردان و زنان اروپایی را در یک مهمانی نشان می‌دهد که پوشش آن‌ها شامل: سرپوش (کلاه)؛ بالاپوش (پیراهن، کت)؛ پایین پوش (شلوار)؛ پاپوش (جوراب، کفش).

الف) سرپوش: پوشش سر مردان در تصویر شامل کلاهی با تاج بلند و لبه پهن و لوله شده است که مورد استفاده تمامی مردان قرار گرفته است. رنگ این کلاه سیاه یا زرد است. برخی کلاه‌ها با پر، نوار نقره‌ای رنگ، یا رشته‌های مروارید بر روی لبه، و نشان صلیب بر روی تاج تزئین شده‌اند. پوششی بر سر بانوان دیده نمی‌شود و فقط چند نفر برای تزئین از نیم‌تاج کوچک یا رشته‌های مروارید در لابلای موهای خود استفاده کرده‌اند. در منابع مکتوب جنس کلاه و تاریخ استفاده از آن ذکر شده است: کلاه اروپائیان از نمد و بالبه باریک و تاج بلند تهیه می‌شد ولی از حدود سال ۱۶۰۰ م، کلاه بالبه لوله شده و تاجی با بلندی متوسط از پوست سگ آبی رواج داشت - کلاه موجود در تصاویر - کلاه بیشتر با پرو جواهرات تزئین می‌شد (ویل کاکس، ۱۳۸۰: ۱۷۲). (تصویر ۸ و ۹)



تصویر ۸

نگاره سمت راست، مهمانی اروپائیان
 منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

تصویر ۹

بخشی از تصویر ۸، کلاه، یقه، و پیراهن نقش‌دار
 زنانه
 منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

ب) بالاپوش: آنچه بیش از همه در میان پوشش پیکره‌ها دیده می‌شود یقه لباس‌ها می‌باشد که برای مردان و زنان استفاده شده است. این یقه بسیار پرچین و بلند، دور تا دور گردن و زیر چانه قرار گرفته و آن را پوشانده است. (تصویر ۸) ویل کاکس معتقد است: در نیمه نخست سده شانزدهم م یقه‌های چین‌دار بزرگ رواج یافت و نوع آهار خورده آن از نیمه این سده مورد استفاده قرار گرفت. چین‌های یقه در اواخر سده شانزدهم م میلادی بسیار بزرگ و آهاردار شد و در حاشیه آن مفتولی فلزی نصب گردید. این یقه که ویژه طبقه مرفه جامعه است، پهنای ۲۳ سانتیمتر و طول ۱۶ تا ۱۷ متر داشته و آنقدر به آن چین می‌دادند تا متناسب گردد. جنس آن از کتان نازک است و در انواع رنگ‌ها در سراسر اروپا استفاده می‌شود (همان: ۱۴۳-۱۵۲-۱۰۰). (تصویر ۸ و ۹) علاوه بر این نوع یقه، مدل‌های دیگری نیز در یقه لباس‌ها دیده می‌شود؛ از جمله یقه گرد و هفت همراه با برگردان که رنگ یقه با رنگ لباس متفاوت است. (تصویر ۹) این یقه در میان پوشش ایرانیان در نگاره‌ها نیز دیده می‌شود که بدان اشاره شد. برای لباس برخی از بانوان یقه‌ای طراحی شده که نسبتاً باز است و برگردانی از پارچه تور یا پارچه برودری دوزی شده به رنگ سفید و آهاردار دارد. «یقه لباس زنان در ابتدای سده شانزدهم م باز بود اما به تدریج از میزان باز بودن آن کاسته شد و به صورت آهاردار و ایستاده فقط طوق گردن را فرامی‌گرفت» (یاوری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۱). این برگردان برای لباس بانویی که قسمت سرشانه لباس وی حذف شده و عریان است وجود ندارد و به تزیین مختصری در اطراف یقه اکتفا شده است.

پوشش رویی مردان، کت یا یلی گشاد و جلو باز است با آستین فراخ و بلند که قدی تا نیمه بدن و گاه پایین‌تر دارد. لبه پایینی این پوشش بر تن برخی افراد در قسمت جلو بدن به شکل سه‌گوش و زاویه‌دار است و برای برخی در کمر کمی تنگ و لبه پایینی آن آزادتر است. پیراهن زیر آن در مرکز جلو باز، و سایر قسمت‌های این پوشش در زیر کت مخفی مانده است. پیراهن زنان، بلند و دامن آن فراخ و بالاتنه آن چسبان است. در قسمت جلو بلند و زاویه‌دار، آستین‌ها بلند و گشاد که در مچ دست تنگ می‌شود. (تصویر ۱۱) بانوی دیگری در نگاره دیده می‌شود که مدل پیراهن آن کمی متفاوت است. تنها پیراهن او منقوش بوده و بالاتنه پیراهن، بلند است که بر روی شکم برشی منحنی دارد و یک دامن کوتاه و پیلی‌دار روی دامن اصلی دیده می‌شود. (تصویر ۹) همچنین بانویی در نگاره دیده می‌شود که پوششی مانند رومیان بر تن دارد که یک شانه وی عریان و شانه دیگر او پوشیده است. تمامی پوشش بالاتنه مردان و زنان در این نگاره دارای رنگ‌های آبی، سبز، نارنجی و سفید است.



تصویر ۱۰

بخشی از تصویر ۸، پایین پوش و یاپوش مردان
 منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)

تصویر ۱۱

بخشهایی از تصویر ۸، کلاه پردار مردان و پیراهن
 زنان
 منبع: (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان)



ج) پایین پوش: پوشش پایین تنه مردان شلواری کوتاه و پف دار است که از شکم تا بالای زانو طول دارد و در لبه پایین آن به وسیله بندی جمع شده است. این شلوار به رنگ‌های آبی، قرمز و زرد دیده می‌شود و به وسیله نوارهای باریک قهوه‌ای رنگ تزئین شده است. ویل کاکس علت پف دار بودن شلوار را افزودن لایی، تکه‌های پارچه و هر چیز دیگری می‌داند (ویل کاکس، ۱۳۸۰: ۱۴۳). بانوان دامن متصل به پیراهن دارند که پوشش زیرین آن کاملاً پنهان است. (تصویره ۱)

د) پاپوش: مردان جوراب بلندی در پا دارند که تا زیر زانو رسیده و در آن قسمت با روبانی محکم و تزئین شده است. این پوشش به رنگ‌های خاکستری و نارنجی با روبان‌های قرمز و سبز تیره دیده می‌شود. «جوراب از کتان، پشم یا ابریشم بود که تا زیر زانو می‌رسید و با بندی ثابت می‌شد. درز پشت جوراب با برودری دوزی پنهان می‌شده است» (همان: ۱۶۴). کفش کوچکی به رنگ سیاه پاپوش مردان را تکمیل می‌کند که بلندی آن تا مچ پا و پنجه‌ای صاف دارد و به وسیله یک پایون تزئین شده است. (تصویر ۹ و ۱۰) پاپوش بانوان در میان انبوه شخصیت‌ها و دامن فراخشان مخفی مانده است. در جدول ۲ بخش‌های مختلف پوشش مردان، در تمامی دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه ارائه شده است.

جدول ۲. بخش‌های مختلف پوشش مردان در نگاره‌های سردر بازار قیصریه. منبع: نگارندگان

نگاره‌های روبه رو و سمت چپ	نگاره‌های سمت راست
 <p>مشخصات: تاج صفوی، عمامه یا دستار کلاه خود</p>	 <p>مشخصات: کلاه</p>
 <p>مشخصات: کلیجه، قبا، پیراهن کاتبی</p>	 <p>مشخصات: پیراهن وکت</p>
 <p>مشخصات: شلوار و چکمه</p>	 <p>مشخصات: شلوار و کفش</p>

سرپوش

بالا پوش

پایین پوش
و یا پوش

نتیجه

دیوارنگاره‌های سردر بازار قیصریه نمونه‌ای از آثار دوره صفوی است که پوشش سه گروه از شخصیت‌های این زمان را به تصویر کشیده است؛ بنابراین می‌توان با تحقیق در آن، پوشش صفوی را بدان استناد نمود. با توجه به این‌که پوشش شخصیت‌ها در دو بخش ایرانی مشابه است، از این رو تحلیل نگاره‌ها براساس بخش ایرانی و اروپایی و تشابه و تمایز آن شکل گرفته است.

سرپوش‌های ایرانی شامل تاج صفوی، عمامه یا دستار بوده که توسط پرو و مهره تزئین شده است. در صحنه رزم علاوه بر سرپوش‌های ذکر شده، کلاه خود نیز وجود دارد. برای این پوشش‌ها رنگ‌های قرمز، سبز و سفید دیده می‌شود. بالاپوش ایرانیان را کلیجه، قبا، پیراهن و کاتبی تشکیل داده است. یقه‌ی لباس‌ها گرد، ولی برخی لباس‌ها یقه‌ای متفاوت دارد که به وسیله برگردانی با رنگی متفاوت از رنگ لباس اجرا شده است. بیشترین رنگ بالاپوش ایرانیان، سبز، قرمز و آبی برای صحنه جنگ، و قرمز و آبی برای صحنه شکار است. شال کمر نیز بخشی از پوشش آن‌هاست که بر تن تمامی پیکره‌ها دیده می‌شود. قرمز، قهوه‌ای و کرمی از پرکاربردترین رنگ‌ها برای این پوشش است که کاملاً تک رنگ و ساده اجرا شده‌اند. مردان صفوی در نگاره‌ها شلواری به پا دارند با گشادی متوسط، که رنگ آن با رنگ بالاپوش متفاوت است. ایرانیان در نگاره‌ها چکمه‌ای با رنگ قهوه‌ای به پا دارند. پاشنه این چکمه‌ها کوتاه و جلو کفش باریک و پوشیده است.

پوشش سر مردان اروپایی کلاهی با تاج بلند و لبه لوله شده به رنگ سیاه یا زرد است که با پر، نوار نقره‌ای رنگ، رشته‌های مروارید و یا نشان صلیب تزئین شده‌اند. بانوان دارای پوشش سر نیستند و فقط چند نفر برای تزئین از نیم‌تاج یا رشته‌های مروارید استفاده کرده‌اند. پوشش رویی مردان اروپایی کت جلو باز و بلند با آستین فراخ است که لبه پایینی آن در قسمت جلو بدن زاویه دار است. پیراهن زنان، بلند و دامن آن فراخ، و بالاتنه‌ای چسبان دارد که در قسمت جلو زاویه دار است و آستین بلند دارد. برخی پیراهن‌ها منقوش بوده و بر روی شکم برشی منحنی دارد و یک دامن کوتاه و پیلی دار روی دامن اصلی قرار گرفته است. همچنین پوششی مانند رومیان که یک شانه عربیان و شانه دیگر پوشیده است مورد دیگری از پیراهن‌های زنانه را تشکیل می‌دهد. بالاپوش مردان و زنان دارای رنگ‌های آبی، سبز، نارنجی و سفید است و بیشترین آن‌ها یقه‌ای پرچین دارد که دور گردن قرار گرفته است. یقه برخی لباس‌ها گرد و هفت، همراه با برگردانی بوده که رنگ یقه با رنگ لباس متفاوت می‌باشد. لباس برخی از بانوان یقه‌ای باز و برگردانی از پارچه تور یا برودری دوزی شده به رنگ سفید و آهاردار دارد. مردان شلواری کوتاه و پف‌دار از شکم تا زانو به پا دارند که در پایین به وسیله بندی جمع شده و به رنگ‌های آبی، قرمز و زرد دیده می‌شود. بانوان دامن متصل به پیراهن دارند که پوشش زیرین آن کاملاً پنهان است. جوراب مردان تا زیر زانو بلندی دارد و با روبانی محکم شده است. رنگ این پوشش خاکستری و نارنجی با روبان قرمز و سبز تیره است. کفش کوچکی به رنگ سیاه پا پوش مردان را تکمیل کرده که بلندی آن تا مچ پا است، پنجه‌ای صاف دارد و به وسیله یک پاپیون تزئین شده است. تاریخ این پوشاک به قرن شانزدهم میلادی مربوط می‌شود.

پی‌نوشت

۱. جملی کاری یک جهانگرد ایتالیایی است که در سال ۱۱۰۵ ه. ق. همزمان با سلطنت شاه سلیمان صفوی به ایران آمده، و از برخی شهرهای ایران به ویژه اصفهان دیدن کرده است (کاری، ۱۳۴۸: ۲).
۲. شاردن در سال ۱۰۰۲ ه. ق. / ۱۶۲۳ م در پاریس به دنیا آمد. وی در زمان شاه عباس دوم تا شاه سلیمان سه بار به ایران سفر کرد و بیش از ۱۲ سال در ایران ماند. او از طرف شاه عباس دوم لقب تاجر شاه گرفت. اثر وی معتبرترین سفرنامه در میان سفرنامه‌های اروپائی زمان صفوی است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۱-۱۲).
۳. البته این آداب در میان اقوام متمدن رواج داشته، مانند روم و یونان، که نقوش فلکی مربوط به احداث هر شهر را برابنیه‌ی مهم و بناهای ملی به ویژه سردرها نقش می‌کردند (دلوااله، ۱۳۷۰: ۱۴۶).
۴. نقاش معجزه‌گر عهد شاه عباس اول و بنیانگذار شیوه نگارگری مکتب اصفهان یا مکتب صفوی دوم. وی به نام رضا یا رضا مصور رقم می‌زده ولی پس از این‌که نزد شاه عباس ارج و مقام یافته به رضا عباسی مفتخر گردیده است. (سرمدی، ۱۳۸۰: ۲۴۸-۲۴۷).
۵. ازبکان از بازماندگان مغول هستند که در سال ۹۰۴ ه. ق. سلطنت ماوراءالنهر را از دست بازماندگان تیموری گرفته و حکومتی تشکیل دادند که به شییبانی نیز معروف است، چرا که اینان از نسل شییبان یا شییبغان، نوه چنگیز مغول بودند. تندروی‌های شاه اسماعیل اول نسبت به سنیان و سیاست خشونت بار مذهبی او، دشمنی کینه توزانه ازبکان را که عموماً سنی بودند برانگیخت. بنابراین امیران ازبک براندازی دودمان صفویان را وظیفه خود می‌دانستند (قدیانی، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۵؛ پارسادوست، ۱۳۷۷: ۵۶-۵۵).
۶. سقرلاط / سقلاط / سقلاطون: نوعی پارچه ابریشمی زردوزی شده که آن را در بغداد می‌بافند (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۰).
۷. طاقیه: کلاه بلند مخروطی شکل؛ طاقیه ترکمانی: کلاه نظامیان عثمانی (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۰).
۸. گارسید سیلوا فیگوروا در سال ۱۵۷۰ م در اسپانیا متولد شد. او سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا در دربار شاه عباس کبیر بود. سفر وی به هند و ایران ده سال به طول انجامید که دقیقاً دو سال و هفت روز آن را در ایران گذرانید (سیلوا ای فیگروا، ۱۳۶۳: ۶).
۹. پیترو دلوااله در آوریل سال ۱۵۸۶ م در شهر رم متولد شد. وی در میان جهانگردان ایتالیایی که از دوره امپراطوری مغول به بعد خاطرات مسافرت‌های خود را به رشته تحریر در آورده‌اند، مقام ارزنده‌ای دارد. وی سفرنامه پرارزشی درباره ایران، هند و ترکیه باقی گذاشت (دلوااله، ۱۳۸۱: ۴).
۱۰. ژان باتیست تاورنیه، جهانگرد فرانسوی در سال ۱۶۰۵ م در پاریس متولد شد. وی سه بار به ایران آمد. سفرهای او در زمان سلطنت صفویان و میان سال‌های ۱۶۳۲ م تا ۱۶۶۸ م صورت گرفت. این سفرها در زمان سلطنت شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان انجام شد (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۹-۷).
۱۱. اولتاریوس، جهانگرد آلمانی، سفرنامه خود را در شش دفتر نگاشته که دفتر چهارم آن مربوط به ایران است. (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۲۵-۵).
۱۲. سانسون مبلغ مسیحی بوده که در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی برای ترویج دین مسیح به ایران آمده است (سانسون، ۱۳۴۶: ۹).
۱۳. انگلبرت کمپفر متولد ۱۶۵۱ م، یک محقق آلمانی می‌باشد که توصیفی از ایران در نیمه دوم قرن هفدهم م را در سفرنامه خود گنجانده است. حضور وی در ایران در سال ۱۶۸۴ م ذکر شده است. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۷-۳).

منابع

- اسحق، مهسا (۱۳۹۳). طراحی مرکز تجاری-تفریحی در منطقه ۴ تهران؛ با توجه به تأثیر معماری در افزایش بازدهی. پایان نامه کارشناسی ارشد. معماری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- اسکندر بیگ منشی (۱۳۷۷). تاریخ عالم آرای عباسی. چاپ اول. تهران: دنیای کتاب.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳). سفرنامه آدام اولثاریوس. ترجمه احمد بهپور. چاپ اول. تهران: ابتکار.
- بهشتی، اکسانا (۱۳۸۸). راهنمای سفر به استان اصفهان. ترجمه حسین یعقوبی. چاپ دوم. تهران: روزنه.
- بیکر، پاتریشیا (۱۳۸۵). منسوجات اسلامی. ترجمه مهناز شایسته فر. چاپ اول. تهران: مطالعات هنر اسلامی.
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۷۷). شاه تهماسب اول. چاپ اول. تهران: انتشار.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۳). سفرنامه تاورنیه. ترجمه حمید ارباب شیرانی. چاپ اول. تهران: نیلوفر.
- تفنگ ساز، پریسا (۱۳۹۳). تجدید حیات بارانداز مجموعه ضرابخانه بازار قیصریه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، معماری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰). سفرنامه پیترو دلاواله. ترجمه شعاع الدین شفا. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). فرهنگ متوسط دهخدا. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- سانسون (۱۳۴۶). سفرنامه سانسون: وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، تحقیق و مطالعه درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران. ترجمه تقی تفضلی. چاپ اول. تهران: ابن سینا.
- سرمدی، عباس (۱۳۸۰). دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. چاپ اول. تهران: هیرمند.
- سیلوا ای فیگروا، گارسیا (۱۳۶۳). سفرنامه دن گارسیا د سیلوا فیگروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول. ترجمه غلامرضا سمیعی. چاپ اول. تهران: نشر نو.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. چاپ اول. تهران: توس.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۵). بازار بزرگ اصفهان. چاپ اول. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
- شهابی نژاد، علی؛ امین زاده، بهناز (۱۳۹۱). «منظر ورودی میدان نقش جهان اصفهان؛ ارزش‌ها و مسئله‌ها» هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۷(۱)، ۲۷-۳۸.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۴). تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه. چاپ دوم. تهران: فرهنگ مکتوب.
- کارری، جملی (۱۳۴۸). سفرنامه کارری. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، چاپ اول، آذربایجان شرقی: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی و انتشارات فرانکلین.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر به ایران. ترجمه کیکاووس جهاننداری. چاپ سوم. تهران: خوارزمی.

- گدار، آندره؛ گدار، یدا؛ سیرو، ماکسیم (۱۳۶۸). آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- موسوی فریدنی، محمد علی (۱۳۸۶). اصفهان از نگاهی دیگر. چاپ چهارم. اصفهان: نقش خورشید.
- میراحمدی، مریم (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عهد صفوی. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- ویل کاکس، روت ترنر (۱۳۸۰). تاریخ لباس. ترجمه شیرین بزرگمهر. چاپ دوم. تهران: توس.
- هنرفر، لطف الله (۱۳۸۹). اصفهان. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
- یارشاطر، احسان (۱۳۸۳). پوشاک در ایران زمین. ترجمه پیمان متین. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- یآوری، حسین و رضاپور، شیرین (۱۳۹۳). نگرشی بر تاریخ تحولات لباس در جهان از دوره بیزانس تا زمان حاضر. چاپ دوم. تهران: آذر.
- آرشو میراث فرهنگی اصفهان بازبایی شده در تاریخ ۹۸/۲/۶ (www.tebyan.net)

